

شعرهای

تاریخ مظلوم دوران ماد و هخامنشیان

شیرفنامه ماد و پارس

به یاد مادای از شاهنامه حکیم توس

www.ketab.ir

نخازنده

مجتبی قوامی راد

سرشناسه: قوامی‌راد، مجتبی. ۱۳۶۲

عنوان و پدید آورنده: شرفنامه ماد و پارس / نگارنده مجتبی قوامی‌راد

عنوان دیگر: تاریخ منظوم دوران ماد و هخامنشیان

موضوع: شعر منظوم فارسی / قرن ۱۴

موضوع: شعر حماسی

وضعیت نشر: مشهد / نشر سراج اندیشه ۱۳۹۰

مشخصات ظاهری: ۹۲ ص-

یادداشت: واژه نامه

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۹۶۲۳-۳۷-۳

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا

۱/۶۲۶۸

PIR ۸۱۸۰/ و ۱۸۳ ش ۱۳۹۰۴

شماره کتابشناسی ملی: ۲۵۱۸۲۹۹

کتابخانه ملی ایران



انتشارات سراج اندیشه

شرفنامه ماد و پارس

مجتبی قوامی‌راد

سراج اندیشه

نخست ۱۳۹۰

جلد ۱۰۰۰

شماره طلوعی

ابوالفضل حکیم آبادی

۲۰۰۰ تومان

دانشگاه فردوسی مشهد

• نام اثر:

• نگارنده:

• ناشر:

• نوع چاپ:

• تیراژ:

• طرح جلد:

• ویراستار:

• قیمت:

• چاپ:

• تمامی حقوق این اثر متعلق به نگارنده می‌باشد •

بخش انتشارات گوتنبرگ

تهران، خیابان انقلاب، روبروی دانشگاه تهران، تلفن: ۶۶۴۰۲۵۷۹ - ۶۶۴۱۳۹۹۸

مشهد، احمدآباد، انتشارات جاودان خرد، تلفن: ۸۴۳۴۵۲۷ - ۰۹۱۵۳۵۹۸۳۲۰

ISBN: 978-964-9622-37-3

در پیشگفتار این دفتر، شایسته‌تر دیدم کمی درباره نقد تاریخ سخن بگویم. البته مراد نقد خود تاریخ نیست بلکه نقد منتقدین تاریخ، منظور است.

بی‌مقدمه بگویم که برخی تمدن‌های نوین‌یاد غربی، همواره ترازوی هجوم و کشورگشایی "اسکندر مقدونی" در آسیا را، عصیان تمدن غرب بر ضد توحش شرق معرفی کردند. ولی از یک سو جستار در نوع و سبک زندگی دنیای غرب و از جمله یونانیان در آن دوران، که فارغ از قانون و حکومت مرکزی واحد بودند و مزدورگری سهم اصلی را در معاش ایشان داشت و از سوی دیگر وصف اقلیم پارس و تمدن ایرانی در مستندات تاریخی، گواه این امر است که ایشان وارونه به ماجرا نگریسته‌اند. امروز ویرانه‌های پارس و شوش به عنوان سندی گویای هر دو روی سکه است: فرهنگی که توانست چنان بزرگی بی‌آفریند و فرهنگی که توانست چنین ویرانی بی‌آفریند.

بر غرب و شرق برای چنین قضاوت‌هایی هیچ ایرادی وارد نیست چراکه هر کشور همواره با توجه به خواست اجتماعی خود اقدام به معرفی، تفسیر و حتی تحریف تاریخ خود و همسایگان می‌کند، ولی قضیه زمانی تحمل ناپذیر است که...

... در روزگاری که بسیاری از ملل به دنبال ساختن یک پیشینه و تمدن ریشه‌دارتر از واقعیت برای خود هستند، جای بسی تعجب است که چگونه برخی اهالی شعر و ادب، که می‌توانند زبان گویای فرهنگ هر ملتی باشند، درباره تاریخ خود قضاوت‌هایی ناحق می‌کنند. چند سال پیش بود که شنیدم یکی از شاعران معاصر، پیش از آن ایام، در

یکی از دانشگاه‌های خارج از کشور، سخنانی درباره فردوسی توسی و تاریخ ایران بر زبان آورده بود که باورش برای خیلی‌ها سخت بود.^۱ من نیز تا زمانی که متن آن سخنرانی را مطالعه نکردم باورم نمی‌شد. ایشان رشته سخن را از تاریخ اساطیری آغاز و پس از توهین و تحقیر بسیار، وارد تاریخ باستان می‌شوند. یکی را دیوانه و ملنگ می‌خوانند و دیگری را دزد و غاصب حکومت و در نهایت نیز (شاید به دلیل تشویق حاضرین که چاشنی کار شده)، رشته کلام را به احساس داده و کسانی را حرامزاده می‌خوانند!

بارها مطالعه را متوقف کردم و لحظاتی به خود فرصت دادم تا شاید بهتر بتوانم مطالب را هضم کنم، ولی افسوس! از آن روز همواره برایم سوال بود که چرا؟ به جوابی هم نرسیدم! آیا به راستی اینگونه سخن راندن رواست؟ آنهم بر اصحاب فرهنگ! آن هم در نقد حکیم توس، بزرگ مردی که حتی یک بار زبان شعرش به لفظ دشنام آلوده نشد. به اعتقاد من، متأسفانه بسیاری از روشنفکران ما همواره با نگاهی از بالا به پایین، به فرهنگ و تمدن میهن خود نگرسته‌اند و از این جهت همواره، هم‌صدای غربیان بوده‌اند. کاربرد این لفظ از سوی من نباید تداعی کننده واژه غرب‌زده برای شما باشد، چراکه من فقط از نگاه خودم بر یک هم‌صدایی در یک زمینه خاص صحنه گذاشتم.

به نظر بنده دلیل آن امر نیز این است که در جامعه شرقی ما، لفظ روشنفکر، فقط در وجوه تمایز با قشر معنا می‌شود! یعنی روشنفکر اوست که نظری متفاوت با اقشار جامعه دارد!!! حالا آن نظر هر چه باشد. به عنوان نمونه اگر زمانی سطح درک قشری از مردم در

^۱ اشاره‌ام به سخنرانی شاعر توانمند معاصر، جناب آقای احمد شاملو در دانشگاه برکلی کالیفرنیا در آوریل ۱۹۹۱ است که همان کم حدود سال ۱۳۸۳ از آن آگاه شدم. برای بنده که همیشه اشعار شاملو را تحسین می‌کرده و می‌کنم، آگاهی از این سخنرانی زمینه‌ساز به نظم کشیدن تاریخ دوران ساسانی شد.

زمینه تاریخ خود تا حدی ایده‌آل هم رسید، آن افرادی که هویت روشنفکرانه خود را در متفاوت بودن با قشر می‌بینند، با پشت پا زدن به هویت تاریخی خود، به انکار تمامی دستاوردهای تاریخی و فرهنگی تمدن خود خواهند پرداخت.

چنان است لبریز از شکوه جام	سخن هرچه گویم نگردد تمام
بسی شکوه‌ها هست در این دلم	ولی از شکایت کجا حاصلم

دلیل بیشتر نقدهایی که امروز از شاهنامه حکیم توس می‌شود نیز همین است و دلیل دیگر نیز این است که منتقدین شاهنامه، این اثر ملی را در جایگاه مقایسه با کشفیات علمی و دقیق تاریخی امروز قرار می‌دهند. ولی حکیم توس در روزگارانی که هویت ایرانیان می‌رفت تا به فراموشی سپرده شود با منظوم ساختن تاریخ اساطیری ایران، شاهکاری جاودانه آفرید. بزرگی کار وی در همت گماردن به گردآوری این داستان‌ها و همچنین در منظوم ساختن آنها، آن هم با زبان حماسی و چنین تاثیرگذار است.

شاهنامه حکیم توس به نوعی بیان حماسی آرمان‌های ایرانیان است و هر آنچه هست، افسانه یا واقعیت آمیخته با افسانه، به هر حال سندی آرجمند است گواه بر آرمان‌ها، باورها و نگاه پیشینیان ما. ولی فردوسی منتی بزرگتر از گردآوری و منظوم ساختن تاریخ اساطیری بر گردن ایرانیان دارد و آن حفظ و حراست زبان پارسی است با بیانی سنگین، شیوا و به دور از دشنام...

... یافته‌ها و اسناد امروز از دوران ماد و هخامنشیان بسیار محدود است که بیشتر آنها از الواح آشوری و سنگ‌نوشته‌ها و سنگ‌نگاره‌های انگشت‌شمار میهنی خودمان به دست آمده است، ولی به هر حال خرسندم که نخستین شخصی هستم که تاریخ درخشان دوران هخامنشیان را در چهارچوب مثنوی به نظم درآوردم. رساله‌ای که در دست دارید

در واقع نوعی وقایع‌نامه است که جلد نخست آن، از ابتدای دوران ماد تا حمله اسکندر مقدونی به ایران را در بر می‌گیرد و در باب شرفمندی تاریخ ایران زمین و با هدف عبرت از تاریخمان به نظم کشیده شده است و نه در حد نام ایران که در حد توان من است. بایستی بدانیم تاریخ برای عبرت گرفتن است نه مغرور و مسخ شدن. به طور کلی این سیاه و سفید دیدن تاریخ همیشه رایج بوده است. در این رساله، در کنار گفتار از بزرگی ایران، همواره سعی من بر آن بود که، ضمن کنایه به افسانه‌سرایی‌های یونانیان درباره تاریخ، قلمم از سرحدات راستی و صداقت برون نرود و خود دچار افسانه‌سرایی برای وطن نشوم، و گمان دارم چنین هم شد. در همین راستا بیان نکته‌ای را لازم می‌بینم و آن اینکه ابیاتی از این منظوم پیش از چاپ حذف گردید و چرایی این امر نیز آن بود که تا حدی فحوای آن ابیات را در تطابق با منطق و واقعیت به سختی قابل قبول یافتیم و مهمترین دلیل ایجاز در ابیات این دفتر نیز همین است. منابع گوناگونی را نیز می‌توانم به عنوان بن‌نوشت‌های این منظوم نام ببرم ولی فقط از مجموعه "روزگاران" اثر زنده‌یاد دکتر عبدالحسین زرین‌کوب یاد می‌کنم که آن را جامع و مفیدتر یافتیم.

در نهایت امید آن دارم، این یادمان تاریخ ایران زمین که حاصل بخشی از پراکنده نویسی‌های من طی چند سال گذشته است، در نظر شما گرامیان آرجدار آفتاب و رحمت جستاری هر چند کوتاه را بر خود هموار سازید. در پایان نیز از تمامی بزرگواران به دلیل احتمال بروز برخی اشتباهات سهوی در آرایه مستندات تاریخی یا خطاهای ادبی

احتمالی در ابیات پوزش می‌طلبم. جاوید باد نام ایران و ایرانی

مجتبی قوامی‌راد

خزان ۱۳۸۸ هجری خورشیدی

فهرست

- ۴ پیشگفتار
- ۱۳ سرآغاز
- ۱۴ چرایی منظوم ساختن شرفنامه
- ۱۵ وصف ایران
- ۱۶ یادى از شاهنامه فردوسی توسی
- ۱۸ نام ایران زمین
- ۱۸ ایران پیش از آریاییان
- ۱۹ آئین ایرانیان
- ۲۱ شرفنامه ماد
- ۲۱ اتحادیه مانای
- ۲۱ فرّ کیانی دیّا اکوی ماد
- ۲۲ فره‌ورتیش ماد و اتحاد آریاییان
- ۲۳ حمله فره‌ورتیش به آشور
- ۲۳ خیانت سکا و مرگ فره‌ورتیش

- ۲۴ ابتدای پادشاهی هه‌وخشتره ماد
- ۲۴ هه‌وخشتره و سرکوب سکا
- ۲۵ هه‌وخشتره و سرکوب آشور
- ۲۵ هه‌وخشتره و برخورد با لیدیه
- ۲۶ آستیاگ ماد و کمبوجیه پارس
- ۲۷ زایش کورش و خواب دوباره آستیاگ
- ۲۸ فرمان خونین آستیاگ به هارپاگ
- ۲۸ آستیاگ و خبر زنده بودن کورش
- ۲۹ آستیاگ و سودای کشورگشایی
- ۳۰ کورش و پایان حکومت ماد
- ۳۱ شرفنامه پارس
- ۳۱ پیشینه‌ای از قوم پارس
- ۳۱ حکومت کورش بزرگ
- ۳۲ کورش بزرگ و رویارویی با لیدیه
- ۳۳ کورش بزرگ و عزم بابل
- ۳۵ کورش و سرکوب سکاه‌ها
- ۳۶ بازگشت کورش به تختگاه
- ۳۷ پادشاهی کمبوجیه و قتل بردیا
- ۳۸ م‌اجرای کمبوجیه و قاضی تیهکار

- ۳۸ کمبوجیه و فتح مصر
- ۴۰ کمبوجیه و ادامه فتوحات در شمال آفریقا
- ۴۱ کمبوجیه و بازگشت ناگهانی به ایران
- ۴۱ ماجرای بردیای دروغین
- ۴۲ گزیدن داریوش اول به پادشاهی
- ۴۲ نخستین اقدام داریوش بزرگ
- ۴۳ داریوش بزرگ و شورش مدعیان
- ۴۳ داریوش بزرگ و آبادانی امپراتوری
- ۴۴ چگونگی ساخت پرسپولیس
- ۴۵ داریوش بزرگ و ایجاد امنیت سراسری
- ۴۶ داریوش و لشگرکشی جهت امنیت مرزها
- ۴۷ رفتار جابران ایونیه و نارضایتی یونانیان
- ۴۸ شورش مصر و فرمان بازگشت از ایونیه
- ۴۹ روزهای پایانی
- ۴۹ آغاز پادشاهی خشایارشا اول
- ۵۰ خشایارشا و دفع شورش مصر
- ۵۰ خشایارشا و دفع آشوب‌های بابل
- ۵۱ خشایارشا و فتح آتن
- ۵۲ بی‌احتیاطی نیروی دریایی خشایارشا

- ۵۲ ترک ایونیه و بازگشت
- ۵۳ بر تخت نشاندن اردشیر اول
- ۵۴ پیش‌دستی اردشیر بر ارتبان و نام‌یافتن او به درازدست
- ۵۴ جدال اردشیر اول با برادرش ویشتاسپ
- ۵۵ طغیان مصر
- ۵۵ شرفمندی مگابیز
- ۵۶ پیشنهاد نافرجام صلح آتن به ایران
- ۵۷ اردشیر اول، سفر به بابل و فوت
- ۵۸ خشایارشا دوم
- ۵۸ سفیدیان و خاکستر مرگ
- ۵۸ پادشاهی اُخس (داریوش دوم)
- ۵۹ شورش ارسی‌تس (برادر اُخس)
- ۵۹ رنگ طلا جایگزین برق شمشیر
- ۶۰ شورش مصر و ناتوانی سپاه جاودان
- ۶۰ درگذشت داریوش دوم
- ۶۱ آغاز پادشاهی آرشک (اردشیر دوم)
- ۶۲ جدال دوباره اردشیر دوم با برادرش کورش
- ۶۳ صلح اسپارت با ایران
- ۶۳ باقی عمر اردشیر دوم

- ۶۴ پادشاهی اردشیر سۆم
- ۶۴ اردشیر سۆم و خلع سلاح ساتراپ‌ها
- ۶۴ اردشیر سۆم و فتح دوباره درّه نیل
- ۶۵ اردشیر سۆم و پاکسازی ایونیه
- ۶۶ قتل اردشیر توسط باگواس و پادشاهی ارسس خردسال
- ۶۶ قتل ارسس به دست باگواس
- ۶۷ فرجام باگواس خواجه
- ۶۷ پادشاهی کودمان (داریوش سۆم)
- ۶۷ اقدامات اسکندر و بی‌توجهی داریوش سۆم
- ۶۸ اولین جنگ داریوش و اسکندر
- ۶۸ دومین جنگ داریوش و اسکندر
- ۶۹ سومین جنگ داریوش و اسکندر
- ۶۹ آریوبرزن، ایرانی باشکوه
- ۷۰ درگذشت داریوش سۆم
- ۷۱ شجره‌نامه دودمان هخامنشی
- ۷۲ چرا زمستان رسید
- ۷۴ و فرجام امپراتوری اسکندر مقدونی
- ۷۷ واژه‌نامه